با مردم

شماره تلفن ارتباطی با خوانندگان
۰۲۱۲۳۰۲۳۳۳۷

جلوی زیاده‌طلبی صاحبخانه‌ها را چه کسی می‌گیرد

صاحبخانه ما ملکش در شهران را که قبلا به ۸۰میلیون پول پیش و ۴میلیون و ۵۰۰اجاره داده بود اکنون به ۲۰۰میلیون و ۱۵میلیون اجاره می‌دهد درحالی که کل درآمد خانوار مـــا در ماه به این رقم نمی‌رسد. از سوی دیگر شنیدم که صاحبخانه همکارم ملکش در نارمک را از ۲۰۰میلیون و ۵میلیون به ۳۰۰میلیون و ۱۶میلیون رسانده اســـت. واقعا هیچ‌کســـی نیســـت که جلوی زیاده‌طلبی صاحبخانه‌ها را بگیرد؟

بهرامی از تهران

خیابان هامون غربی در زابل نیازمند زیرسازی و آسفالت است

خیابان هامون غربی بعد از میدان استاندارد به طرف مزار در شهر زابل بدون هیچ زیرساخت و سنگلاخی است درحالی که دوطرف خیابان پر از خانه و سکنه است و با کمترین تردد افراد به‌خصوص ماشین‌ها از این خیابان دیگر چشم، چشم را نمی‌بیند.

میرشکار از زاهدان

کارگر، مستأجر، متاهل و بیکارم بدون یارانه

کارگر متاهلی هســـتم که مســـتأجرم و در تعدیل‌های ۲ســـال گذشته بیکار شدم. با این شرایط یارانه معیشتی جدید در کمال تعجب نه‌تنها به من تعلق نگرفت، بلکـــه یارانه معمولی ۴۵هزار و ۵۰۰تومانی من نیز قطع شد! آیا من جزو ۱۰درصد مرفهین هستم و خودم خبر ندارم.

اسد از تهران

پس از طلاق یارانه ندارم

پس از جدایی از همسرم به‌رغم اعلام تفکیک یارانه به ستاد مربوطه و با گذشت چند سال هیچ دریافتی‌ای نداشته‌ام. کارمند و مستأجرم و نیازمند یارانه. چه باید بکنم که از سال ۹۲ یارانه نگرفته‌ام.

ایرانی از کرج

پیامک

ارسال پیام کوتاه خوانندگان
۰۲۱۲۳۰۲۳۹۱۶

احمدآباد مستوفی نیاز به امکانات ورزشی و زیرساختی دارد

با وجود اینکه احمدآباد مســـتوفی در مجاورت پایتخت کشور واقع شده اما خدمات و امکانات رفاهی در این شهر بسیار ضعیف اســـت. به‌عنوان نمونه فضاها و باشـــگاه‌های ورزشی در اینجا بسیار کم هستند و کیفیت خوبی هم ندارند. جا دارد مسئولین برای اوقات فراغت و تفریح جوانان این شهر فضاهای بیشتری اختصاص دهند.

جعفری از احمدآباد مستوفی

وضعیت پارکینگ طبقاتی خیابان طالقانی اهواز بلاتکلیف است

سال‌هاست که وضعیت پارکینگ خیابان طالقانی اهواز بلاتکلیف اســـت و هیچ ارگانی مســـئولیت تکمیل و بهره‌برداری از آن را به‌عهده نمی‌گیرد. درحالی که استفاده از این پارکینگ کمک زیادی به خلوت‌شدن خیابان و امنیت خودروها می‌کند.

حیدری از اهواز

پیشوا و ورامین چه زمانی به خطوط مترو وصل می‌شوند

بسیاری از مردم شهرهای پیشـــوا و ورامین برای حاضرشدن در محل کارشان، روزانه بین این شـــهرها و تهران در ترددند. مشکل ترافیک و مسافت به جای خود، اخیرا با گران‌شدن کرایه تاکسی‌ها، واقعا تامین این ارقام در توان قشر ضعیف نیست تا با تاکسی رفت‌وآمد کنند. از مسئولان درخواست داریم با رساندن خطوط مترو به این شهرها هم رفت‌وآمد را تسهیل کرده و هم از فشار اقتصادی بر مردم کم کنند.

هدایت‌طلب از ورامین

دولت برای رقم اجاره‌ها حدودی تعیین کند

ســـاکن منطقه باغ ســـرهنگ در محدوده نارمک و نظام‌آباد هســـتیم. ۱۰ماه قبل خانه را با ۱۵۰میلیون و ۵میلیون رهن کرده‌ایم، متأســـفانه صاحبخانه رقم اجـــاره را به ۱۰میلیون رسانده و من نمی‌دانم با ۳فرزندم و توان مالی نداشته‌ام به کجا نقل مکان کنم. چرا دولت ممنوعیتی برای افزایش اجاره از حد مشخص قائل نمی‌شود؟ ضمن اینکه به صرف گفتن نمی‌توان صاحبخانه‌ها را مجبور کرد و باید قانونی در این زمینه تصویب و ابلاغ شود.

مرادی از تهران

پیام @

تلگرام با مردم @bamardom_hamshahri

باغ کامران، میدان ازگل، نیاز به نظارت و رسیدگی دارد

در ضلع شـــرقی میدان ازگل پارک یـــا به‌اصطلاح باغی قرار دارد که به آن باغ کامران می‌گویند. متأسفانه تعداد زیادی از افراد یا سگ‌هایشان را به‌طور دائم در این پارک می‌گردانند و یا مشغول قلیان کشیدن و استعمال موادمخدر هستند. از طرفی وضعیت روشنایی این پارک خصوصا در شب‌ها، بسیار نامناســـب اســـت و همین موضوع این محل را برای مردم و خانواده‌ها ناامن کرده است.

ثنایی از تهران

گزارش گرانفروشی به ارگان‌های ذیربط بی‌جواب می‌ماند

برخی از نانوایی‌های شهر قزوین به شکل دلبخواهی و در هر ساعتی که خودشان بخواهند نان می‌پزند از طرفی قیمت نان را هم بیشتر از نرخ مصوب تعیین کرده‌اند و جالب اینجاست که از اندازه و کیفیت نان‌هایشان هم کاسته شده است. بارها با ۱۲۴ تماس گرفته‌ام حتی به جهاد سازندگی و فرمانداری هم مراجعه کرده‌ام اما متأسفانه هیچ اقدامی صورت ندادند.

جمالوند از قزوین

اتوبوس‌ها تعمدا کرایه را نقدی می‌گیرند

راننـــدگان اتوبوس‌های خـــط میدان قدس پیچ شـــمیران درحالی که کرایه مسیرشـــان با کارت هـــزار و ۹۰۰تومان و نقدی ۲هزار تومان است به بهانه خرابی دستگاه از مردم ۲هزار و ۵۰۰تومان می‌گیرند و می‌گویند همین است که هست. به جز ۲اتوبوس، باقی اتوبوس‌های این خط به این صورت عمل می‌کنند. از اتوبوسرانی تقاضا می‌کنم به‌صورت جدی به این موضوع رسیدگی کند.

دشتی از تهران

آموختن قرآن در زندان، دلیلی برای بخشش قاتل

بخشش قاتل بی‌سواد پیش از قصاص

گزارش

خانواده مردی که ۶ســـال قبل در جنایتی هولناک به قتل رســـیده و تلفن همراهش ســـرقت شـــده بود درحالی که حکم قصاص قاتل قطعی شده و آماده اجرا بود او را بخشیدند.

به گزارش همشهری، این جنایت اواسط سال ۹۵در بندر کنگ در اســـتان هرمزگان اتفاق افتاد. گزارش کشف جسد را مردم به پلیس داده بودند. زمانی که مأموران در محل حادثه حاضر شـــدند با جسد مرد جوانی که به‌دلیل اصابت جسم سخت به سرش جانش را از دســـت داده بود، مواجه شدند. هیچ‌کس قاتل را ندیده بود و به درســـتی معلوم نبود مرد جوان چرا و با چه انگیزه‌ای به قتل رسیده است، اما شواهد نشان می‌داد مقداری از وسایل او از جمله تلفن همراهش سرقت شده اســـت. به این ترتیب جسد به پزشکی قانونی منتقل و تحقیقات برای شناسایی عامل جنایت آغاز شد. بررسی‌ها درباره هویت مقتول نشان می‌داد که او از اهالی شهرستان سیب و سوران واقع در استان سیستان و بلوچستان است و از مدتی قبل برای کار به هرمزگان رفته بود. آنطور که نزدیکانش می‌گفتند او با هیچ کـــس اختلاف و یا خصومتی نداشـــت که بخواهد منجر به قتل شود. در این شرایط شناسایی عامل جنایت به معمایی مرموز تبدیل شـــد. در این میان سرقت گوشی تلفن همراه مقتول می‌توانست سرنخ مهمی برای دســـتگیری قاتل باشد. هرچند مأموران ابتدا به ردیابی گوشی مسروقه پرداختند اما این گوشـــی خاموش بود. چند روز بعد وقتی گوشی مقتول برای چند دقیقه روشن شـــد، مأموران با آن تماس گرفتند. در آن سوی خط پسر جوانی جواب داد و مدعی شد تلفن همراه را پیدا کرده است. مأموران از او خواستند برای ادای توضیحات به پلیس آگاهی مراجعه کند و به این ترتیب وی بازداشت شد. شواهد و مدارک به‌دست آمده نشان می‌داد پسر جوان عامل جنایت است، اما او مدعی بود که قتلی مرتکب نشده و ســـیم کارت مقتول را پیدا کرده است. او در جلسه محاکمه که در دادگاه کیفری یک استان هرمزگان برگزار شد گفت: باور کنید من اطلاعی از قتل ندارم.

همراه یکی از دوستانم برای خرید به یک مغازه رفته بودیم که جلوی در مغازه یک سیم کارت پیدا کردم و توی گوشـــی‌ام انداختم و با اســـتفاده از آن چند تماس گرفتم تا اینکه چند روز بعد از پلیس آگاهی با من تماس گرفتند و درباره قتل توضیح خواستند. در آنجا تحت فشار زیادی قرار داشـــتم و به ناچار به قتل اعتراف کردم، اما واقعیت این است که من قاتل نیستم. با وجود ابراز بی‌گناهی متهم اما قضات دادگاه او را به قصاص محکوم کردند. این رأی مدتی بعد در دیوان‌عالی کشـــور تأیید و به اجرای احکام فرستاده شد. درحالی که شمارش معکوس برای اجرای حکم قصاص آغاز شـــده بود تلاش‌های تیم صلح و سازش زندان بندرعباس برای جلب رضایت اولیای دم آغاز شد. چون اولیای‌دم اهل سیستان و بلوچستان بودند متهم به قتل طبق یک سنت قدیمی این منطقه حاضر شد برای اثبات بی‌گناهی‌اش دست در روغن داغ کند اما اولیای دم نپذیرفتند و گفتند فقط حکم دادگاه را قبول دارند. از ســـویی حاضر به بخشش نیز نبودند. رایزنی‌ها برای بخشـــش متهم ادامه داشت تا اینکه سرانجام با تلاش‌های شـــورای حل اختلاف زندان اولیای دم حاضر شدند دربرابر دریافت ۴۰۰میلیون تومان دیه از قصاص قاتل صرف‌نظر کنند. خواســـته آنها در حالی بود که جوان محکوم به قصاص هیچ پولی برای پرداخت دیه نداشت. چند خیر برای کمک به او پا پیش گذاشتند و مبلغ ۴۰۰میلیون تومان فراهم شد و پسر جوان پس از ۶سال از قصاص نجات یافت. کاظم شاهرخ نیا، از اعضای شورای حل اختلاف زندان بندرعباس در این‌باره به همشهری می‌گوید: وقتی این جوان به زندان آمد، اوضاع خوبی نداشت. او ۲ مرتبه در زندان دست به‌خودکشی زد. اما به‌تدریج وضعیتش بهتر شد. او از جمله زندانیانی بود که در محیط زندان رشد کرد. با اینکه او سواد نداشت اما در زندان قرآن یاد گرفت. همه از او به خوبی یاد می‌کنند. به همین دلیل تلاش‌های زیادی برای نجات او از قصاص انجام شد. بعد از آنکه اولیای دم حاضر به دریافت دیه شـــدند با کمک خیران توانستیم ۴۰۰میلیون تومان جمع‌آوری کنیم و به این ترتیب او نجات یافت.

هویت زنی که نیم‌تنه و پاهایش داخل گونی پیدا شده بود فاش شد

بازداشت خواستگار در قتل هولناک یک زن

جنایی

چند روز پس از پیداشـــدن نیم‌تنه و پاهای زنی جوان داخل گونی در ۲نقطه مختلف از پایتخت، انگشت‌نگاری هویت مقتول را فاش کرد و به این ترتیب خواستگار او به اتهام قتل بازداشت شد.

به گزارش همشـــهری، بامداد هفدهم اردیبهشت ماه، کارگر شهرداری تهران در حوالی منطقه خزانه مشغول نظافت خیابان بود که چشمش به یک گونی در کنار سطل زباله افتاد. داخل گونی نیم‌تنه یک زن بود که حدودا ۳۵ساله بود و ۲۴ساعت از مرگش می‌گذشت.

آنطور که شواهد نشـــان می‌داد، قاتل یا قاتلان پس از جنایت جسد را مثله کرده و نیم‌تنه را داخل ۲گونی جاسازی و بعد کنار سطل زباله رها کرده بودند. نیم‌تنه زن جوان به پزشکی قانونی انتقال یافت و درحالی که تحقیقات در این پرونده آغاز شده بود، ۳ساعت بعد به تیم جنایی خبر رسید که ۲پای زنانه داخل یک گونی در بزرگراه محلاتی پیدا شده است. در ادامه تحقیقات مشخص شـــد که پاها نیز متعلق به همان زنی است که نیم‌تنه‌اش ۳ســـاعت قبل در خزانه کشف شـــده بود. از همان زمان تحقیقات برای رازگشایی از این جنایت هولناک آغاز شد و در ابتدا باید هویت مقتول فاش می‌شد. مأموران در گام نخست به بررسی اثر انگشت مقتول پرداختند که معلوم شد که وی سابقه‌دار است و پیش از این بارها به اتهام حمل و نگهداری موادمخدر بازداشت شده است. از سوی دیگر پزشکی قانونی اعلام کرد که علت مرگ شکستگی از ناحیه گردن بوده و قاتل پس از جنایت دست به مثله‌کردن جسد زده است. تحقیقات که پیش می‌رفت معلوم شد که مقتول با مادرش در خانه‌ای در جنوب تهران زندگی می‌کردند و او به تازگی با پســـری به نام کامران ۴۰ساله در یک مهمانی آشنا شده و قرار بود با یکدیگر ازدواج کنند اما این اواخر اختلاف میان آنها به‌وجود آمده بود. ظاهرا کامران به مقتول مشکوک شده و به اینکه او مدام در فضای مجازی بود و ســـرش با گوشی گرم بود اعتراض می‌کرد. همین مســـئله اختلاف و درگیری میان آنها را هر روز بیشـــتر می‌کرد تا اینکه آخرین بار زن جوان به خانه خواستگارش رفته و پس از آن بود که جسد مثله شده‌اش پیدا شد. همین اطلاعات کافی بود تا دستور بازداشت کامران از سوی قاضی محمدتقی شعبانی، بازپرس جنایی تهران صادر شود. اگرچه شواهد و مدارک علیه کامران مظنون اصلی پرونده بود اما او جنایت را انکار می‌کرد. وی گفت: من و بهاره(مقتول) مدتی قبل در یک مهمانی با هم آشنا شدیم و می‌خواستیم باهم ازدواج کنیم. اختلاف میان ما وجود داشت اما خیلی جدی نبود. من نسبت به او حساس بودم چون خیلی دوستش داشتم. رفتارهایش مشکوک بود و همین مسئله مرا آزار می‌داد. وی ادامه داد: روز حادثه بهاره به خانه من آمد و باز باهم بر سر اینکه چرا مدام سرش با گوشی گرم است درگیر شدیم. بعد از آنکه باهم کمی بحث و بگومگو کردیم، او از من خداحافظی کرد و رفت. از آن پس دیگر خبری از او نداشتم تا اینکه شـــنیدم به طرز هولناکی کشته شده است. اما من نقشی در قتل او ندارم. براساس این گزارش، خواستگار مقتول مظنون اصلی پرونده که همه شـــواهد و مدارک علیه اوســـت با دستور بازپرس جنایی تهران بازداشت شد و برای انجام تحقیقات بیشتر در اختیار مأموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران قرار گرفت.

اسرار مرگ بدهکار ۷میلیارد تومانی فاش شد

تصمیم مرگبار پیش از دستگیری

دادسرا

تحقیقات در پرونـــده مرگ مرموز بدهـــکار میلیـــاردی در یکـــی از کلانتری‌های تهران نشـــان داد که او پیش از دســـتگیری با مصرف قرص به زندگی‌اش پایان داده است.

به گزارش همشـــهری، رســـیدگی به این پرونده از چند روز قبل شـــروع شـــد؛ زمانی که گزارش مرگ مرموز مردی ۳۵ساله در یکی از کلانتری‌های تهران به قاضی میثم حســـین‌پور بازپرس جنایی پایتخت اعلام شد. بررســـی‌ها حکایت از این داشت که مرد جوان در بازداشتگاه حالش بد شده و پیش از انتقال به بیمارستان جانش را از دســـت داده است. اگرچه پزشک معالج اعلام کرد که علت مرگ مرد بازداشتی سکته قلبی بوده و احتمالا از ترس بازداشت قلبش از تپش ایستاده و جانش را از دست داده است اما با توجه به مشکوک بودن ماجرا، جسد وی با دستور بازپرس جنایی به پزشـــکی قانونی انتقال یافت تـــا با انجام آزمایش‌های تخصصی علت اصلـــی مرگ مرد جان باخته مشخص شود.

بدهی میلیاردی

در ادامـــه تحقیقات معلوم شـــد که متوفی شـــاکی خصوصی داشـــته و به‌خاطر بدهـــکاری میلیاردی بازداشت شده و ســـاعتی پس از انتقال به کلانتری ناگهان حالش بد شده و جانش را از دست داده است. هنوز به درستی مشـــخص نبود که ماجرا از چه قرار است تا اینکه پزشـــکی قانونی علت اصلی مرگ مرد بازداشـــتی را اعلام کرد؛ مســـمومیت بر اثر مصرف قرص. اعلام این نظریه بازپرس جنایی را در برابر یک معمای پیچیده قرار داد و او دستور تحقیقات بیشتر در این‌باره را صادر کرد.

دیدار اتفاقی بدهکار و طلبکار

تحقیقات تیم جنایی حکایت از این داشت که متوفی تا چند سال قبل ثروت زیادی داشته و در زمینه خرید و فروش زمین، ملک و ساخت‌وساز فعالیت می‌کرده اســـت. او حدود یک ســـال قبل از ۷نفر از دوستان و آشنایانش برای سرمایه‌گذاری در زمینه ساخت‌وساز ۷میلیارد تومان پول گرفت و قرار شد سودش را به آنها پرداخت کند. آشنایان او هم به اعتبار وی پولهایشان را برای سرمایه‌گذاری در اختیار مرد متوفی قرار دادند اما وی مرتکب اشتباه شده و دوستان نزدیکش سرش را کلاه گذاشته و املاکش را زیر قیمت از او خریدند. از سوی دیگر رفته رفته ملک گرانتر می‌شد و مرد جوان دیگر توانایی پرداخت پول به آشنایانش را نداشت و به این ترتیب ورشکسته شد. آشنایان او نیز درخواست پولشـــان را می‌کردند اما وقتی متوجه شدند که او حاضر به برگرداندن طلبشان نیست، به طرح شکایت از وی پرداختند. یکی از آنهـــا که ۳میلیارد تومان از مرد بدهکار، پول طلب داشـــت توانست حکم جلب او را بگیرد تا اینکه روز حادثـــه به‌صورت اتفاقی او را در یکی از خیابان‌های پایتخت دید و از او خواســـت تا همراهش به کلانتری که در همـــان نزدیکی بود برود. مرد بدهکار که راهی برای گریز نداشت همراه شاکی به سمت کلانتری رفت اما پیش از آنکه قدم در اداره پلیس بگذارد از شاکی طلب یک بطری آب کرد. شاکی یا همان مرد طلبکار از مغازه‌ای که مقابل کلانتری قرار داشت یک بطری آب خرید و در اختیار مرد بدهکار قرار داد. او یک جرعه آب نوشید و بعد با پای خودش وارد کلانتری شد و مأموران با توجه به حکم جلبی که داشت، بازداشـــتش کردند تا اینکه ساعتی بعد جانش را از دســـت داد. در ابتدا مظنون اصلی، شاکی پرونده(مرد طلبکار) بود که بازداشت شد. چرا که احتمال می‌رفت وی آب سمی به متوفی داده است. این مرد اما گفت که نقشی در مرگ مرد بدهکار ندارد. تیم تحقیق برای کشـــف ابعاد بیشتر این حادثه، به بازبینی تصاویر دوربین‌های مداربسته در اطراف کلانتری پرداخت. آنطـــور که دوربین‌ها نشان می‌داد شاکی(طلبکار) یک بطری آب خریده و متوفی پس از نوشیدن آب بطری را تحویل شاکی داده و قدم در کلانتری گذاشته است. همه‌چیز یک معما بود و این‌بار تیم تشـــخیص هویت دوربین‌ها را زوم کردند و به‌صورت ویژه فیلم را مورد بررســـی قرار دادند تا اینکه مشخص شـــد زمانی که متوفی بطری آب را گرفته چیزی از جیب‌هایش برداشت و داخل دهانش گذاشته است. در ادامه تحقیقات، نیز مشخص شد که متوفی پس از آنکه بدهی سنگین بالا آورده بود، قرص تهیه کرده و همیشه همراهش بود تا چنانچه دستگیر شد، پیش از زندانی شدن به زندگی خودش پایان دهد. با فاش شدن حقایق مظنونی که ۲۴ساعت بازداشت بود، آزاد و پرونده مرگ اسرارآمیز متوفی نیز بسته شد.

درخواست قاتل سریالی برای ازدواج در زندان

مرد جنایتکار که به اتهام قتل دختران لندنی در زندان به سر می‌برد، درخواست کرده که به او اجازه داده شود تا بتواند با زن مورد علاقه‌اش ازدواج کند؛ درخواستی که خشم مردم و خانواده قربانیان را برانگیخته است.

به گزارش همشهری به نقل از میرر، قاتل سریالی که مردی ۵۱ساله به نام لوی بلفیلد است از سال ۲۰۱۱ به اتهام قتل دســـت‌کم ۳دختر جوان در لندن در زندان به‌ســـر می‌برد. او از ۲ سال پیش از طریق یک قاتل ســـریالی دیگر کـــه همانند او دوران محکومیتش را در زندان می‌گذراند با زنی ۴۰ساله آشنا شد و شروع به نوشـــتن نامه برای او کرد. نامه‌نگاری میان آنها مدتی طول کشـــید تا اینکه زن ۴۰ســـاله به ملاقات بلفیلد در زندان رفت و عاشق این جنایتکار سریالی شد. در یکی از همین ملاقات‌ها بود که مرد جنایتکار از زن مورد علاقه‌اش خواستگاری کرد و او نیز به خواستگاری وی جواب مثبت داد. بـــه این ترتیب بود که قاتل سریالی که قرار اســـت همه عمر خود را در زندان بگذراند، با نوشـــتن نامه‌ای برای فرماندار از وی خواســـت که به او اجازه دهد تا بتواند با زن مورد علاقه‌اش ازدواج کند. نامه‌ای که شوک بزرگی به مردم و خانواده قربانیان وارد کرد. براساس قوانین انگلستان، قاتل زندانی می‌تواند چنین درخواستی داشته باشد اما اجازه وقوع چنین اتفاقی با فرماندار است و وی در شرایطی از جمله «وجود نگرانی‌هایی درباره مجـــرم» یا «ترس از اینکـــه مجرم پس از ازدواج به همراه همسرش به جرایمش ادامه دهد» می‌تواند با این درخواست مخالفت کند.

حالا و با این درخواست قاتل ســـریالی، خانواده قربانیان به تکاپو افتاده‌اند تا هر طوری شده اجازه چنین کاری به وی داده نشود. آنها می‌گویند که مرد جنایتکار اجازه نداد کـــه دختران آنها طعم زندگی را بچشـــند و ازدواج کنند و دادن چنین اجازه‌ای به قاتل سریالی، بی‌عدالتی مطلق است.

براســـاس ایـــن گـــزارش، لـــوی بلفیلد ســـال ۲۰۰۳دختری ۱۹ســـاله به نام مارشا مک دانل را به قتل رساند. او یک ســـال بعد آملی دلاگرانژ ۲۲ساله را قربانی کرد و چند ماه پس از این جنایت قصد کشتن دختری ۱۸ساله به نام کیت شیدی را داشت که موفق نشد و پس از آن از سوی پلیس دستگیر شـــد. وی زمانی که در زندان بود به قتل دختری ۱۳ساله در سال ۲۰۰۲نیز متهم شد. او پس از محاکمه به اتهام قتل ۳دختر به ۳بار زندان مادام‌العمر محکوم شـــد تا اینکه چند ماه پیش با نوشتن نامه‌ای به قتل زنی به نام لین و دختر مگان نیز اعتراف کرد. او گفت کـــه پس از حمله به این مادر و دختر آنها را به قتل رسانده و دختر ۹ساله خانواده را نیز تا حد مرگ کتک زده است.

وزیر دادگســـتری انگلیس در پی درخواست این قاتل ســـریالی برای ازدواج، قـــول داده که همه تلاش خود را به‌کار گیرد تا اجـــازه ندهد که او به خواسته‌اش برســـد و نمکی باشـــد بر زخم‌های خانواده‌های قربانیان.

کوتاه از حادثه

شهادت مأمور پلیس در درگیری با قاچاقچیان سوخت

راننده خودروی اسکورت قاچاقچیان سوخت، بعد از توقیف تانکر حامل ۳۰هزار لیتر گازوئیل توسط پلیس خـــودرواش را بـــه یکی از مأموران کوبیـــد و او را به شهادت رساند.

به گزارش همشـــهری، مأموران انتظامی یگان امداد شهرستان بندرعباس یکشنبه شب به اطلاعاتی دســـت یافتند که نشان می‌داد قاچاقچیان سوخت قصد دارند با استفاده از یک دستگاه تانکر مقدار زیادی گازوئیل به منطقه منتقل کنند. در این شرایط گروهی از مأموران با اخذ حکم مأموریت به محور ایسین از توابع شهرســـتان بندرعباس اعزام شدند و موفق شـــدند تانکر مورد نظر را در منطقه پاتل شناســـایی کنند. آنها با استفاده از علایم هشداردهنده پلیسی از قبیل چراغ گردان و تابلو ایست و با معرفی هویت پلیسی خود و ارائه کارت شناسایی، این تانکر را متوقف و در آن ۳۰هزار لیتر گازوئیل کشف کردند. بارنامه‌ای که راننده به مأموران نشان داد جعلی و قاچاق بودن محموله مشخص بود. راننده نیز اعتراف کرد که محموله سوخت قاچاق را از اصفهان به مقصد روســـتای گچین بارگیری کرده و قصد فروش آن به قاچاقچیان را داشته است. در این شرایط بود که این تانکر توقیف شد و مأموران قصد داشتند آن را به مقر پلیس منتقل کنند اما راننده در مســـیر چندین مرحله اقدام به خاموش کردن خودرو کرد و ضمن ســـرپیچی از دســـتور مأموران خودرو را در فاصله ۶متری از جاده اصلی در شـــانه خاکی متوقف و از ادامه مسیر خودداری کرد. درســـت در همین لحظات بود که یک دستگاه خودروی پژو پارس که پســـر جوانی راننده‌اش بود و مسئولیت اسکورت تانکر را برعهده داشـــت از راه رسید و قصد جلوگیری از انتقال تانکر را داشـــت. این خودرو به‌صـــورت خلاف جهت و با سرعت زیاد به سمت مأموران حمله ور شـــد و ابتدا با یکی از مأموران به‌صورت جزئی برخورد کرد اما در ادامه مأمور دیگری به نام استواریکم رضا احترامی را زیر گرفت و او را به شهادت رساند.

ســـردار غلامرضا جعفری، فرمانده انتظامی استان هرمزگان با اعلام جزئیات این حادثه گفـــت: در این حادثه راننده پژو پارس که فرزند راننده تانکر بود از ناحیـــه هر دو پا هدف اصابت گلوله مأموران قرار گرفت و برای درمان به بیمارستان صاحب‌الزمان بندرعباس منتقل شد.

جنایت هولناک داماد عصبانی

مردی که با همســـرش و خانواده او دچار اختلاف شـــده بود در اقدامی هولناک همســـرش و پدر و مادر او را به قتل رساند و با شلیک گلوله دست به‌خودکشی زد.

به گزارش همشهری، عصر روز یکشنبه به مأموران پلیس شهر گرگاب شاهین شهر، واقع در استان اصفهان خبر رسید که مردی حدود ۴۰ساله با استفاده از کلت کمری به‌سوی برادرش شلیک و او را مجروح کرده بود. در جریان این تیراندازی یک گلوله نیز کمانه و به پای دختر ۶ساله مرد مسلح اصابت کرده بود. به‌دنبال این حادثه گروهی از مأموران برای بازداشت متهم راهی خانه او شدند اما در کمال ناباوری به سر خودش نیز شلیک کرده بود اما هنوز نفس می‌کشـــید. به همین دلیل بلافاصله به بیمارستان منتقل شد اما جانش را از دست داد. تحقیقات در این‌باره همچنان ادامه داشت تا اینکه حادثه مهم دیگری فاش شد. بررسی‌ها حاکی از آن بود که این مرد یک روز قبل از خودکشـــی نیز به خانه پدر همسرش رفته و همسرش را همراه با پدر و مادرش به قتل رسانده بود. در همین حال سرهنگ جهانگیر کریمی، معاون فرهنگی و اجتماعی فرماندهی انتظامی اســـتان اصفهان در این باره گفت: بررسی‌ها نشان می‌دهد عامل جنایت به موادمخدر اعتیاد داشت. وی ادامه داد: علت وقوع این حادثه اختـــلاف ضارب با اعضای خانواده همسرش بود و تحقیقات تکمیلی در این خصوص ادامه دارد و کارآگاهان در حال بررسی دقیق‌تر این پرونده هستند.

قاتل عجیب در بیمارستان روانی بستری شد

مرد معتاد که بـــه تصور اینکه پســـرعمویش با ســـحر و جادو زندگی‌اش را نابود کرده، او را به قتل رسانده بود با دستور بازپرس جنایی برای درمان به بیمارستان اعصاب و روان انتقال یافت.

به گزارش همشهری، این جنایت چهارم اردیبهشت امسال در حوالی شهرک مسعودیه اتفاق افتاد. متهم که مردی ۳۹ساله بود به خانه پسرعمویش رفته و قصد داشت او و اعضای خانواده‌اش را به قتل برساند. او در ابتدا به سراغ پسرعموی ۷۰ساله‌اش رفت و با ضربات چاقو جان وی را گرفت اما همسر و دختر مقتول با زیرکی موفق شدند از دست او فرار و با قفل کردن در خانه، پلیس را خبر کنند. قاتل که داخل خانه زندانی شده بود از پنجره طبقه دوم به حیاط پرید و لنگ لنگان پا به فرار گذاشت که مأموران رسیدند و او را دستگیر کردند. متهم معتاد به موادمخدر بود و به قدری تحت‌تأثیر مصرف مواد بود که ادعاهای عجیب و غریبی درباره انگیزه‌اش از جنایت مطرح می‌کرد. او گفت: مقتول از ۱۰ ســـال قبل مرا سحر و جادو کرده بود و من برای باطل کردن این طلسم ۱۰ساله می‌خواستم پسرعمویم و خانواده‌اش را به قتل برسانم اما تلاشـــم برای قتل همسر و دختر پســـرعمویم نافرجام باقی ماند. او در ادامه مدعی شـــد که ۱۰سال قبل در محل زندگیش که شهرستان بود نوشته عجیبی پیدا کرده و بعد از آن به سراغ یک آینه بین در شهرستان دیگری رفته و در آنجا متوجه شده که پسرعمویش او را جادو و طلسم کرده و برای همین نقشه قتل وی و خانواده‌اش را کشیده بود. ادعای عجیب قاتل باعث شد که وی برای بررسی سلامت روانی در اختیار متخصصان پزشکی قانونی قرار بگیرد. از سوی دیگر اولیای دم نیز در دادسرای جنایی تهران حاضر شده و برای او درخواست قصاص کردند. اما متهم همچنان رفتار و حالت‌های عجیب و بیمارگونه‌ای داشت و در این شرایط بازپرس دستور داد تا وی از بازداشتگاه به بیمارستان اعصاب و روان منتقل شده و تحت درمان قرار بگیرد. متخصصان پزشکی قانونی به‌زودی نظر خود را درباره سلامت روانی متهم و اینکه آیا او هنگام جنایت جنون داشته یا نه اعلام خواهند کرد.